

## مجتبی دمیرچی لو<sup>۱</sup>

با فروپاشی شوروی سابق، ایجاد کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر و تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه که موجب افزایش تعداد کشورهای ساحلی خزر از دو به پنج کشور گردید، نوع نگرش به دریای خزر و مسایل آن دچار دگرگونی شد و دریای خزر به عنوان موضوعی جدید مورد توجه قرار گرفت. عقد قراردادهای متعدد نفتی با شرکتهای چند ملیتی و ورود دولتها و سازمانهای فرامنطقه‌ای به حوزه دریای خزر موجب تشدید رقابتهای سیاسی و اقتصادی و پیچیده‌تر شدن وضعیت منطقه و پدید آمدن چالشهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی مهمی در حوزه دریای خزر و نظام حقوقی حاکم بر این پهنه آبی گردید. مواضع متفاوت کشورهای ساحلی و ارائه دیدگاههای مختلف راجع به نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر و حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی، سوالات و ابهاماتی را در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر در دوران قبل از فروپاشی شوروی، تاثیر فروپاشی شوروی بر وضعیت حقوقی خزر و آینده آن در محافل رسمی و غیر رسمی در سطوح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطرح نموده است. در این راستا بدلیل ارتباط تاریخی ایران با دریای خزر، توجه خاص به مسایل و تحولات آن در کشورمان امری طبیعی می‌باشد که در بعد داخلی به یکی از مباحث مورد توجه نخبگان و حتی عامه مردم تبدیل شده و در بعد خارجی نیز به عنوان موضوعی مهم و با اولویت در دستور کار تصمیم‌گیران و مجریان سیاست خارجی کشورمان قرار گرفته است. در این مقاله که به بررسی مسایل دریای خزر از دیدگاه ایران می‌پردازد، ابتدا سیر تحولات تاریخی دریای خزر، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری ایران از آن و چالشها و فرصتهای پیش روی کشورمان مورد مطالعه قرار گرفته، سپس به بررسی دیدگاههای متفاوت مطروحه از سوی صاحب نظران کشورمان راجع به حقوق و تکالیف ایران در دریای خزر می‌پردازد و در پایان نحوه نگرش جامعه ایرانی به این موضوع و عوامل موثر بر شکل‌گیری افکار عمومی کشورمان در مسئله خزر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دریای خزر یا دریای مازندران<sup>۲</sup> بزرگترین دریاچه جهان است که در شمال

کشورمان واقع شده و امروزه بین پنج کشور ساحلی آن - ایران، ترکمنستان، قزاقستان،

۱. آقای مجتبی دمیرچی لو، کارشناس ارشد مسایل دریای خزر است.

۲. دریای خزر به مفهوم جغرافیایی کلمه دربرگیرنده ۵ کشور ساحلی است ولی در غالب مقالات و کتب منتشره عمدتاً مفهوم ژئوپلیتیک آن بکار می‌رود که علاوه بر کشورهای ساحلی خزر، مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و حتی ترکیه را دربر می‌گیرد. در این مقاله مفهوم جغرافیایی مد نظر می‌باشد.

روسیه و جمهوری آذربایجان محصور می‌باشد. بر این پهنه آبی در طول تاریخ اسامی متفاوتی اطلاق شده است که عمدتاً منتسب به نام اقوام و قبایل ساکن اطراف آن بوده و یا اینکه از نام مناطق و شهرهای اطراف آن گرفته شده است.<sup>(۱)</sup> این پهنه آبی که بدلیل وسعت بسیار زیاد آن نام "دریا"<sup>(۲)</sup> به خود گرفته، در طول تاریخ نقش بسزایی در حیات سیاسی و اقتصادی مردمان ساحل نشین خود داشته است. مردم ایران بدلیل واقع شدن این دریاچه در سواحل کشورمان، در طول تاریخ به اشکال مختلف با دریا مرتبط بوده و علاوه بر استفاده از آن، از مسایل و تحولات آن نیز متأثر بوده‌اند.

گرچه شکل و نحوه استفاده و بهره مندی از دریای خزر با توجه به نوع نیازها و سطح توانایی علمی و فنی بشر متغیر بوده ولی این دریا از نظر تاریخی دو کارکرد اصلی و بسیار مهم داشته است. اول، به عنوان یک وسیله ارتباطی و حمل و نقل که مناطق پیرامونی را به یکدیگر مرتبط نموده و امکان تماس و مراوده میان جوامع گوناگون را فراهم می‌کرده است. کارکرد دوم نیز در تامین نیازهای غذایی ساحل نشینان خود را نمایان می‌سازد که بارزترین شکل آن ماهیگیری و فعالیتهای شیلاتی بوده است.

علیرغم نقش تاریخی و انکار ناپذیر دریای خزر بر کشورمان و تاکیداتی که راجع به اهمیت آن صورت می‌گیرد، تا سالهای اخیر مسایل آن جایگاه برجسته ای در سیاست خارجی ایران نداشته و حتی به عنوان یک موضوع اجتماعی مورد علاقه و با اولویت نیز مطرح نبوده است.<sup>۱</sup> مقایسه میزان فعالیتهای ایران با دیگر کشورهای ساحلی خزر بویژه در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی مؤید این مطلب است.<sup>(۳)</sup>

پس از تحولاتی که متعاقب فروپاشی شوروی، تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه، افزایش

---

۱. در گذشته موضوعی که به نحوی با دریای خزر مرتبط بوده و در مقاطعی در سیاست خارجی کشورمان در سطح محدود و در سطح اجتماعی به صورت گسترده تری مطرح بوده قضیه «نفت شمال» است و مسئله نحوه فعالیت و حق و حقوق ایران در خزر موضوعی است که در سالهای اخیر مورد توجه خاص قرار گرفته است.

تعداد کشورهای ساحلی خزر و نمایان شدن اختلاف نظر بین کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی حاکم بر آن صورت گرفت، این موضوع در بعد داخلی به یکی از مباحث مورد توجه نخبگان و حتی عامه مردم تبدیل شد و در بعد خارجی نیز به عنوان موضوعی مهم و با اولویت در دستور کار تصمیم‌گیران و مجریان سیاست خارجی کشورمان قرار گرفت.

این نوشتار که در صدد بررسی مسایل دریای خزر از دیدگاه ایران می‌باشد در سه بخش تنظیم شده است. ابتدا سیر تحولات تاریخی دریای خزر مورد مطالعه قرار گرفته، سپس دیدگاه‌های متفاوت مطروحه از سوی صاحب‌نظران کشورمان راجع به حقوق و تکالیف ایران در دریای خزر مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً در بحثی تحت عنوان دریای خزر و افکار عمومی ایران به بررسی نحوه نگرش جامعه ایرانی به این موضوع و عوامل موثر بر شکل‌گیری افکار عمومی کشورمان در مسئله خزر خواهیم پرداخت.

### سیر تحولات تاریخی دریای خزر

دریای خزر در حدود ۱۲ میلیون سال قبل بخشی از اقیانوس بزرگ «تتیس» بوده است که مناطقی از آسیای مرکزی کنونی، فلات ایران و خلیج فارس را شامل می‌شده و از یکسو به اقیانوس اطلس و از سوی دیگر به اقیانوس هند و از طریق دشتهای سیبری به اقیانوس منجمد شمالی مرتبط بوده است. اقیانوس تتیس بتدریج در نتیجه تحرکات پوسته زمین چند تکه شده که دریای خزر و دریاچه آرال تکه‌های جدا شده از آن هستند. دریای خزر تا اواخر دوره میوسن به دریای سیاه متصل بوده ولی پس از انشقاق تبدیل به یک پهنه آبی کاملاً بسته شده است.<sup>(۴)</sup> این پهنه آبی امروزه حدود ۳۷۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد<sup>۱</sup> و بین آسیای مرکزی، قفقاز، دشتهای جنوبی روسیه و ایران محصور می‌باشد.<sup>(۵)</sup> با عنایت به پیوستگی تاریخی کشورمان با

۱. راجع به مساحت دریای خزر ارقام متفاوتی ذکر شده و برخی از منابع مساحت آن را تا ۴۴۰ هزار کیلومتر مربع نیز ذکر کرده‌اند. یکی از دلایل این اختلاف، نوسانات سطح دریای خزر می‌باشد. به نحوی که با تغییر سال مینا و نقشه مینیا محاسبه، مساحت نیز تغییر می‌یابد.

دریای خزر، مطالعه و بررسی تحولات دریای خزر نمی‌تواند جدای از تاریخ کشورمان باشد. به گونه‌ای که رابطه مستقیمی بین قدرت ایران و میزان تاثیر گذاری یا تاثیر پذیری آن بر تحولات خزر مشاهده می‌شود. در این راستا چهار دوره قابل قابل ذکر است: دوران سیادت ایران در خزر، دوران افول قدرت ایران و آغاز تفوق روسیه، دوران شوروی سابق و دوران پس از فروپاشی شوروی.<sup>۱</sup>

### الف) دوران سیادت ایران در خزر

بر اساس اسناد تاریخی، کشور ایران از قرن ششم قبل از میلاد با دریای خزر مرتبط بوده و با توجه به واقع شدن اکثر مناطق پیرامونی خزر در قلمرو آن، بجز مقاطعی کوتاه از تاریخ که بدلیل تهاجم اقوام و قبایل مهاجر حاکمیت دولت مرکزی بر بخشهایی از آن دچار خدشه می‌شد، بر سراسر این پهنه آبی تحت حاکمیت ایران قرار داشت. در واقع در این دوران خزر دریاچه‌ای داخلی برای ایران محسوب می‌شد. با ظهور مغولها و گسترش قلمرو آنها، دریای خزر تحت حاکمیت امپراطوری مغول قرار گرفت.<sup>(۶)</sup> با تقسیم این امپراطوری، تحولات دریای خزر تا حد زیادی از رقابتهای میان جانشینان چنگیز خان متاثر بود. این وضعیت تا پیدایش سلسله صفویه ادامه داشت. با قدرت گرفتن این سلسله حاکمیت ایران مجدداً بر بخش اعظمی از دریای خزر احیاء شد. لکن با ظهور پطر کبیر و قدرت گرفتن روسیه از اواسط قرن ۱۶ حاکمیت بلامنازع ایران در خزر دچار چالش گردید.

### ب) دوران افول قدرت ایران و آغاز تفوق روسیه

با ظهور پطر کبیر و سیاستهای وی برای گسترش قلمرو خود بویژه به سمت جنوب و

۱. این تقسیم‌بندی با هدف سهولت در مطالعه و با دید خاص مؤلف بوده و با توجه به عوامل و حوادث تاریخی می‌توان تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز ارائه کرد.

شرق، روسیه به عنوان قدرتی جدید در سواحل خزر نمایان می‌شود. تصرف شهر آسترخان (حاج طرخان یا هشتر خان) از طرف نیروهای روسی در سال ۱۵۵۶، سرآغازی بود برای توسعه قلمرو روسیه در جنوب. امری که بعدها ادامه یافت و بخشهای وسیعی از سرزمین ایران را نیز در بر گرفت. روسها در راستای تحقق اهداف خود با استفاده از وضعیت نابسامانی که در نتیجه فتنه افغانها در سال ۱۷۲۲ ایجاد شده بود، شهرهای باکو، دربند و رشت را اشغال نمودند. روسیه برای تثبیت این وضعیت در سال ۱۷۲۳ قراردادی را با شاه طهماسب دوم در سن پترزبورگ منعقد نمود که بر اساس آن شهرهای دربند، باکو و ایالات گیلان، مازندران و آسترآباد به روسیه واگذار گردید. روسیه در قراردادی که در سال ۱۷۲۴ با عثمانی منعقد نمود، موافقت عثمانی را نیز برای تثبیت این امر جلب نمود.<sup>(۷)</sup> در سال ۱۷۲۹ موافقتنامه دیگری تحت عنوان «رشت» بین روسها با اشرف افغان منعقد شد که بر اساس آن مناطق دیگری از ایران به روسیه واگذار شد.<sup>۱</sup>

اقتدار مجدد ایران که با دوران زمامداری نادر شاه در ایران و افول نسبی قدرت روسیه همراه بود، روسیه را واداشت تا بخش اعظمی از مناطق اشغالی در حاشیه جنوبی خزر را تخلیه نماید. امضای قراردادهای «رشت» در سال ۱۷۳۲ و «گنجه» در سال ۱۷۳۵ نتیجه همین دوران است که روسیه را به تخلیه مناطق اشغالی متعهد می‌کند. تا اواخر قرن ۱۸ این وضعیت ادامه داشت ولی طغیان والی گرجستان در اواخر این قرن سرآغاز تحولاتی شد که منجر به جنگهای ایران و روسیه و از دست رفتن مناطق وسیعی از کشورمان بر اساس قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای و به تبع آن محدودیت در حاکمیت ایران در خزر گردید. به موجب قرارداد گلستان در ۱۸۱۳ و ترکمنچای در ۱۸۲۸ نه تنها سواحل غربی خزر از ایران جدا شد و برای حقوق کشورمان در خزر نیز محدودیتهایی ایجاد نمود. در این اسناد برای اولین بار به صراحت از حقوق دو کشور در خزر سخن به میان آمده است. بر اساس فصل پنجم قرارداد گلستان و فصل هفتم قرارداد

۱. راجع به اعتبار این اسناد به دلیل اینکه طرفهای ایرانی واقعاً نماینده دولت ایران محسوب نمی‌شدند، تردیدهایی وجود دارد. شاید یکی از دلایلی که روسها را واداشت تا در اسناد بعدی از جمله گلستان و ترکمنچای این متصرفات را تثبیت نمایند، همین امر باشد.

ترکمنچای حقوق دو کشور در زمینه کشتیرانی در خزر مورد اشاره قرار گرفته و برای حضور نیروی نظامی ایران در خزر ممنوعیت وضع شده است.

موضوع انضمام بخش اعظمی از سواحل دریای خزر به خاک روسیه در قرن ۱۹ امری است که زمینه تقویت حضور روسیه و تضعیف نقش ایران در خزر را فراهم نمود. تاثیر این امر در دوره‌های بعد نیز مشهود است. هم در دوران شوروی و هم دوران پس از فروپاشی نقش داشتن سرزمین در ساحل خزر، در اعمال حاکمیت و حقوق حاکمه در خزر انکار ناپذیر است. امضای معاهده آخال در سال ۱۸۸۱ و متعاقب آن تشکیل کمیسیون مرزی و امضای کنوانسیون تبادل سرزمینی بین ایران و روسیه در سال ۱۸۹۳ از دیگر لطمات سرزمینی ایران است که موجب تثبیت مرزهای دو کشور در شرق خزر شد.<sup>(۸)</sup> در نتیجه روسیه بر بخش اعظمی از سواحل شرق خزر مسلط گردید و دریای خزر را از سه جهت شمال، شرق و غرب در بر گرفت.

### ج) دوران شوروی سابق

روسیه در اوایل قرن بیستم دستخوش جنبش‌های اجتماعی و سیاسی متعددی بود که مهمترین آنها انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ محسوب می‌شود که خود منجر به تحولاتی شگرف نه تنها در این کشور بلکه در سطح منطقه و جهان گردید. با وقوع تحولات سیاسی و اجتماعی ناشی از انقلاب اکتبر، زمامداران این کشور با هدف تحکیم پایه‌های حکومت نوپای سوسیالیستی مبادرت به لغو قراردادهای استعماری گذشته با کشورهای همسایه نمودند. این دولت در سال ۱۹۲۱ اقدام به انعقاد معاهدات متعددی با کشورهای همسایه خود از جمله ایران نمود.

بر اساس ماده دوم معاهده مودت مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱، این کشور قراردادهای استعماری گذشته خود را با ایران ملغی اعلام می‌کند. لکن در ماده سوم به صراحت طرفین متعهد می‌شوند که مرز بین ایران و روسیه را مطابق تعیین کمیسیون سرحدی سال ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند.<sup>(۹)</sup> علاوه بر این معاهده، قراردادهای متعددی بین ایران و شوروی وجود

دارد که با مسئله خزر مرتبط هستند. از جمله آنها موارد زیر قابل ذکر است:

- موافقتنامه پستی مورخ ۱۹۲۳؛
- معاهده استفاده از رودخانه‌های مرزی مورخ ۱۹۲۶؛
- معاهده تامينيه و بیطرفی مورخ ۱۹۲۷؛
- قرارداد همکاری‌های شیلاتی مورخ ۱۹۲۷؛
- معاهده پستی مورخ ۱۹۲۹؛
- قرارداد اقامت، تجارت و بحر پیمایی مورخ ۱۹۳۱؛
- معاهده بازرگانی و بحر پیمایی مورخ ۱۹۳۵؛
- قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی مورخ ۱۹۴۰؛
- موافقتنامه حل مسایل مرزی و مالی مورخ ۱۹۵۴؛
- معاهده انتظامات مرزی مورخ ۱۹۵۷؛
- موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی و فنی ایران و شوروی مورخ ۱۹۶۳؛
- موافقتنامه هوایی مورخ ۱۹۶۴؛
- پروتکل تعیین منطقه اطلاعات پروازی (FIR) بر فراز خزر مورخ ۱۹۷۶.

بررسی اسناد مذکور موید این مطلب است که هیچ مرزبندی یا تقسیمی در دوران شوروی در خزر صورت نگرفته است. فصول ۷ و ۱۲ معاهده ۱۹۲۱ و مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ ناظر بر حقوق برابر دو کشور در زمینه کشتیرانی دریای خزر است. همچنین در بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد ۱۹۴۰ برای طرفین یک محدوده ۱۰ مایلی انحصاری ماهیگیری در نظر گرفته شده است. علیرغم وجود این معاهدات، اقدامات ایران در زمینه کشتیرانی و ماهیگیری در این دوران در دریای خزر بسیار محدود بوده است. نداشتن امکانات فنی در کنار ملاحظات سیاسی از مهمترین دلایل این امر محسوب می‌شوند. در مقابل شوروی علاوه بر داشتن ناوگان تجاری و نظامی وسیع در خزر، فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه

بهره برداری از منابع نفتی انجام می‌داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه به مسئله خزر افزایش یافت. توسعه فعالیت‌های شیلاتی بویژه در صید کیلکاکه تا دهه ۱۳۵۰ شمسی در انحصار شوروی بود، تشکیل شرکت کشتیرانی دریای خزر در سال ۱۳۶۸، توجه ویژه به موضوع بهره برداری از منابع نفتی خزر از طریق ساخت و بهره‌برداری از سکوی حفاری ایران - خزر و همچنین حفر سه حلقه چاه نفتی در نزدیکی سواحل ایران در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ موبد این موضوع است.

بطور کلی وضعیت حقوقی دریای خزر در دوران شوروی را می‌توان «برابری در نظر و نابرابری در عمل»<sup>(۱۰)</sup> ذکر کرد. گرچه این وضعیت را نمی‌توان به معنای ایجاد حق مکتسب برای شوروی به حساب آورد، ولی این امر نشان از تسامح دولت ایران در آن زمان دارد.<sup>(۱۱)</sup> بعبارت دیگر علی‌رغم اینکه در اسناد مذکور هیچگونه تقسیم یا مرزبندی در دریای خزر وجود ندارد و حتی در خصوص برخی مسایل از جمله حقوق کشتیرانی و ماهیگیری برابر برای دو کشور در نظر گرفته شده ولی در عمل اقدامات دو کشور برای استفاده از خزر همسان و برابر نبوده است. برخی از کشورهای ساحلی از جمله جمهوری آذربایجان تلاش دارند بنحوی این موضوع را «عرف» تفسیر نمایند. بنظر می‌رسد فقدان عنصر معنوی (رضایت ایران) در این خصوص وجود دارد و نمی‌توان تعبیر عرف را در این زمینه پذیرفت.

#### د) دوران پس از فروپاشی شوروی

فروپاشی شوروی سابق و پدیدار شدن چهار کشور روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به جای شوروی، موجب افزایش تعداد کشورهای ساحلی و طرح دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی راجع به رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر گردید. کشورهای ساحلی برای حل و فصل مسایل دریای خزر بلافاصله پس از فروپاشی شوروی مذاکراتی را در سطوح مختلف آغاز نمودند. این مذاکرات در چهار سطح سران، وزرای امور خارجه، گروه کاری تدوین کنوانسیون



رژیم حقوقی (معاونین وزرای خارجه) و کارشناسی (اجلاسهای تخصصی راجع به موضوعات تخصصی از جمله شیلات، محیط زیست، کشتیرانی، نظامی، ...) صورت گرفته و همچنان در جریان است که به اختصار اشاره ای به روند مذاکرات و نتایج آنها می پردازیم.

اولین گام اساسی در مذاکرات مربوط به دریای خزر در دوران پس از فروپاشی شوروی اقدام ایران برای برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در حاشیه اجلاس سران اکو در تهران در ۲۹ بهمن ۱۳۷۰ (۱۷ فوریه ۱۹۹۱) می باشد. در نتیجه این اجلاس که با حضور روسای جمهور ایران و ترکمنستان، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان، معاون نخست وزیر قراستان و سفیر روسیه در تهران تشکیل شد، بیانیه ای صادر گردید که در آن بر لزوم تشکیل سازمان همکاری دولتهای ساحلی دریای خزر تاکید شد. همچنین تشکیل کمیته های پنجگانه همکاری به شرح زیر پیش بینی گردید:

۱. کمیته رژیم حقوقی دریای خزر؛
۲. کمیته تحقیقاتی علمی و کنترل نوسانات آب دریای خزر؛
۳. کمیته حمل و نقل؛
۴. کمیته ماهیگیری تحت عنوان کمیته منابع بیولوژیک دریای خزر؛
۵. کمیته حفاظت محیط زیست دریای خزر.

بعدها کمیته های همکاری های اقتصادی و حقوقی و همچنین سازمان خبرگزاری کشورهای ساحلی خزر تشکیل شد. ایده تشکیل سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر علیرغم تهیه پیش نویس سند مربوطه از سوی ایران و روسیه، بدلیل عدم استقبال دیگر کشورها بویژه مخالفت های صریح جمهوری آذربایجان محقق نشد. فعالیت کمیته های تخصصی بجز کمیته حقوقی بدلیل اختلاف نظرهایی که راجع به رژیم حقوقی خزر وجود داشت، پس از مدتی متوقف و ادامه فعالیت آنها به حل و فصل مسئله رژیم حقوقی موکول شد. سازمان خبرگزاری نیز با خروج تدریجی برخی اعضاء منحل گردید.

کمیته حقوقی که در سطح مدیران کل حقوقی وزارت خارجه کشورهای ساحلی خزر تشکیل شده بود، در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ دو اجلاس برگزار نمود ولی عملاً موفقیت چندانی را در پی نداشت. بنحوی که در اجلاس وزرای امور خارجه که در نوامبر ۱۹۹۶ در عشق آباد برگزار شد، تصمیم گرفته شد، سطح این گروه به معاونین وزرای امور خارجه ارتقاء یابد.

این گروه که بر اساس بیانیه اجلاس وزراء «گروه ویژه کاری تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی خزر» نام گرفت، موظف به تدوین این کنوانسیون بر اساس اتفاق آراء می‌باشد. این گروه طی ۱۹ اجلاس خود که تا آذر ۱۳۸۴ برگزار کرده موفق به تدوین بخشهایی از این کنوانسیون شده ولی توافق راجع به برخی مسایل از جمله شیوه تقسیم بستر بمنظور بهره برداری از منابع زیر بستر، عرض منطقه ملی (دریای سرزمینی)، نحوه فعالیتهای نظامی و انتظامی و ... تاکنون میسر نشده است.

همچنین مذاکرات و همکاریهایی بین مراجع ذی ربط کشورهای ساحلی در امور مربوط به کشتیرانی، شیلات، حفاظت محیط زیست، آب و هواشناسی، انتظامی و نظامی و ... در جریان است که در برخی موارد توفیقاتی نیز حاصل شده است. امضای «کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر» از سوی پنج کشور ساحلی در نوامبر ۲۰۰۳ در تهران از جمله این موارد است.

به موازات مذاکرات و همکاریهای ۵ جانبه، توافقهایی دوجانبه ای نیز بین روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان راجع به تقسیم بستر دریای خزر بمنظور بهره برداری از منابع معدنی خزر به شرح زیر صورت گرفته است:

۱. «موافقتنامه فدراسیون روسیه و جمهوری قزاقستان برای تقسیم بستر بخش شمالی دریای خزر بمظور اعمال حقوق حاکمه در استفاده از منابع زیر بستر» مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۸ و پروتکل اجرایی و نقشه ضمیمه آن مورخ ۱۳ مه ۲۰۰۲؛

۲. «موافقتنامه فدراسیون روسیه و جمهوری آذربایجان در خصوص تقسیم مناطق

مجاور بستر دریای خزر» مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲؛

۳. «موافقتنامه جمهوری آذربایجان و جمهوری قزاقستان در مورد تقسیم بستر دریای خزر بین جمهوری آذربایجان و جمهوری قزاقستان» مورخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۱ و پروتکل اجرایی آن مورخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۳؛

۴. «موافقتنامه فدراسیون روسیه، جمهوری آذربایجان و جمهوری قزاقستان در مورد نقطه اتصال خطوط تقسیم مناطق مجاور بستر دریای خزر» مورخ ۱۴ مه ۲۰۰۳.  
همچنین اقدامات یکجانبه کشورها برای بهره برداری از منابع زنده و معدنی (بویژه نفت و گاز) در دریای خزر در جریان است که این امر در مواردی موجب بروز اختلافات و تنش‌هایی در خزر شده است.

مواضع متفاوت کشورهای ساحلی در کنار اقدامات عملی آنها موجب ارائه دیدگاه‌های مختلف راجع به نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر و حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی و بروز سئوالات و ابهاماتی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر در محافل رسمی و غیر رسمی در سطوح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطرح شده است. در این راستا مسایل و تحولات دریای خزر در کشورمان به یکی از مباحث مورد توجه نخبگان و حتی عامه مردم تبدیل شده است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

### دیدگاه‌های متفاوت راجع به حقوق و تکالیف ایران در دریای خزر

تبیین رژیم حقوقی دریای خزر و حقوق و تکالیف جمهوری اسلامی ایران، از اساسی‌ترین موضوعات مربوط به دریای خزر است که نه تنها در داخل ایران بلکه در کشورهای ساحلی و حتی کشورهای خارجی نیز راجع به آن نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی وجود دارد. بدیهی است تبیین رژیم حقوقی خزر و همچنین حقوق ایران در این زمینه، می‌تواند علاوه بر کمک برای درک صحیح از روند تحولات دریای خزر، در ارائه پیشنهاد و راهکار برای

تامین منافع ملی ایران نقش بسزایی داشته باشد.

نظرات و دیدگاههای مختلف مطرح شده از سوی محققین و نویسندگان ایرانی راجع به رژیم حقوقی دریای خزر و حقوق کشورمان در این دریا برای سهولت در مطالعه و بررسی در سه دسته کلی قابل ذکر است:

**۱. دیدگاههای حداکثری:** برخی از محققین ایرانی با تفسیر معاهدات مورخ ۱۹۲۱ و

۱۹۴۰ منعقد شده بین ایران و شوروی معتقدند، حقوق ایران در دریای خزر برابر با دیگر کشورهای ساحلی است و سهم ایران برابر با ۵۰ درصد می باشد. این دیدگاه تاکید خاصی بر قراردادهای منعقد شده بین ایران با شوروی سابق و به ویژه معاهده مودت مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و قرارداد بازرگانی و بحرپیمایی دریای خزر مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ دارد و معتقد است این دو معاهده مبین رژیم حقوقی حاکم بر خزر می باشد.

استدلال این گروه بدین نحو است که براساس معاهده ۱۹۲۱ علاوه بر رفع محدودیتهایی که برای ایران در خزر در نتیجه قراردادهای گلستان و ترکمن چای وضع شده بود و اعاده حقوق برابر ایران با روسیه در خزر، در فصل سوم این معاهده به صراحت حق برابر دو کشور برای کشتیرانی ذکر شده است. همچنین بر اساس قرارداد ۱۹۴۰ دو کشور بجز در یک محدوده انحصاری ۱۰ مایلی برای ماهیگیری در بقیه پهنه دریا از حقوق برابر برخوردارند. گرچه دیگر موضوعات دریای خزر از جمله بهره برداری از نفت و گاز در این اسناد مورد اشاره قرار نگرفته است ولی این حقوق برابر به تمام مسایل خزر از جمله در مسئله بهره برداری از منابع نفت و گاز قابل تسری است.<sup>(۱۲)</sup>

با عنایت به اصل جانشینی دولتها و همچنین بیانیه آلماتی، کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر - ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان متعهد به تعهدات شوروی هستند<sup>(۱۳)</sup> لذا سهم ایران که در زمان شوروی نیمی از خزر بوده است همچنان دست نخورده باقی مانده و نیم دیگر خزر بین چهار کشور روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان

تقسیم می‌شود.<sup>(۱۴)</sup> طرفداران این دیدگاه، مسئله رژیم حقوقی خزر برای کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق را به پدری تشبیه می‌کنند که فوت کرده و ورثه‌اش علاوه بر میراث خود می‌خواهند حق همسایگان را هم تصرف نمایند.

از نظر این گروه سهم جمهوری اسلامی ایران در تمامی این دریاچه از جنوب تا شمال و از شرق تا غرب، ۵۰ درصد به صورت مشترک و مشاع در تمامی منابع و حقوق متصوره اعم از فضای ماورای دریاچه خزر، سطح، آب، بستر و زیربستر «در هر ذره خاک و هر قطره آب» آن می‌باشد. البته با احترام به حق انحصاری ماهیگیری در ۱۰ مایل ساحل.<sup>(۱۵)</sup>

این دیدگاه بر دو برداشت و تفسیر از معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مبتنی است که بر اساس آن عنوان می‌شود رژیم حقوقی حاکم بر خزر در دوران شوروی «مشاع» بوده و طرفین (ایران و شوروی)، «حق تصمیم‌گیری برابر»<sup>(۱۶)</sup> در دریای خزر داشته‌اند. این دو تفسیر منتقدانی نیز دارد و برخی تردیدها و ایراداتی به شرح زیر راجع به این دیدگاه مطرح شده است:

۱. مشاع بودن خزر با استناد به معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ قابل اثبات نیست. زیرا مشاع بودن مستلزم تصریح در معاهده و همچنین عدم وجود برتری و امتیاز خاصی برای یکی از طرفهاست که در این معاهدات مصداق ندارد.

۲. بر فرض اثبات مشاع، لزوماً مشاع به معنی برابری و سهم ۵۰ درصد نیست؛

۳. عملکرد ایران در خزر و سکوت در مقابل فعالیتهای نفتی شوروی در خزر با ایده «مشاع» و همچنین «حق تصمیم‌گیری برابر» همخوانی ندارد.

طرفداران این دیدگاه نیز برای دفاع از نظرات خود پاسخهایی را مطرح می‌نمایند و برای نحوه اعمال این حق نیز پیشنهادهایی از جمله تشکیل یک سازمان خاص برای فعالیت در خزر را مطرح می‌کنند که در آن ایران ۵۰ درصد سهم داشته باشد و ۵۰ درصد دیگر نیز متعلق به چهار کشور ساحلی خزر باشد.<sup>(۱۷)</sup>

۲. دیدگاههای حداقلی: برخی از آثار به این نکته اشاره دارند که دریای خزر در زمان

شوروی بین ایران و شوروی تقسیم شده بود و خط مستقیمی بین آستارا در غرب خزر به بندر حسین قلی در شرق خزر، خطر مرزی دو کشور در خزر را تشکیل می‌داد.<sup>۱</sup> از نظر این گروه داشتن یک «حداقل با ثبات به مراتب بهتر از داشتن حداکثر بی ثبات» است.<sup>(۱۸)</sup> طرفداران چنین دیدگاهی برای اثبات ادعای خود مسایل زیر را مطرح می‌نمایند:

- ایران و شوروی عملاً در رویه خود نسبت به اعمال حاکمیت در دریای خزر قایل به تحدید حدود بوده‌اند.

- در معاهدات و قرارداد مابین ایران و شوروی مرز دو کشور خط مستقیمی بین بندر آستارا و بندر حسین قلی است.<sup>(۱۹)</sup>

- براساس توافق منعقد شده بین وزیر امور خارجه وقت ایران (آرام) و سفیر شوروی در تهران (پگف) توافقی راجع به خط مرزی مذکور صورت گرفته است.<sup>(۲۰)</sup>

بر اساس بررسیهای نگارنده هیچگونه سندی که دال بر توافق ایران و شوروی برای تقسیم خزر باشد، وجود ندارد. لازم به ذکر است برخی از افراد به اشتباه یا بدلیل بی توجهی، وجود چنین خطی را حتی به معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیز نسبت میدهند. با عنایت به اینکه نه تنها در این اسناد بلکه در هیچ سند دیگری نیز چنین خط کشی یا مرزبندی مطرح نبوده است، این امر نشانگر عدم مطالعه اسناد مذکور توسط آنان می‌باشد.<sup>۲</sup> نه تنها مدعیان این دیدگاه هیچ سندی دال بر اثبات ادعای خود ارائه کرده اند بلکه برخی از کشورهای ساحلی که بعضاً این موضوع را مطرح می‌کنند، نیز نتوانسته‌اند سندی دل بر اثبات ادعای خود ارائه نمایند.<sup>(۲۱)</sup>

۱. برخی از مطالب منتشره به خط موهوم و فرضی آستارا - خلیج حسینقلی - محل تلاقی مرز زمینی دو کشور در طرفین خزر - به عنوان مرز آبی ایران و اتحاد جماهیر شوروی اشاره دارند. مبنای چنین اشتباهی می‌تواند موافقتنامه هوایی ۱۹۶۴ میان دو کشور باشد که صرفاً برای تعیین «محدوده منطقه اطلاعات پرواز» (Flight Information Region) بوده و به معنی مرز دریایی نیست. ماده ۳ این پروتکل اشعار می‌دارد: «هیأت‌های دو طرف با ایجاد مرز بین FIR تهران و FIR باکو در طول خط مستقیمی که محل تلاقی مرز ایران و شوروی در طرفین غرب و شرق دریای خزر را به یکدیگر متصل می‌کند، توافق نمودند».

۲. در برخی از آثار حتی نقشه مجعولی نیز ترسیم شده است. برای نمونه مراجعه شود به: «رژیم حقوقی دریای خزر»، بندر و دریا، سال ۱۸، شماره ۱۱۱-۱۱۲، دی - بهمن ۱۳۸۲، ص ۳۴.

۳. دیدگاه‌های میانه: در بین دیدگاه‌های حداکثری و حداقلی، طیفی از نظرات گوناگون وجود دارد که تحت عنوان دیدگاه‌های میانه به بررسی آنها می‌پردازیم. دیدگاه‌های میانه از یکسو استدلال منتج به سهم ۵۰ درصدی ایران را فاقد مبانی و مستندات حقوقی می‌دانند<sup>(۲۲)</sup> و از سوی دیگر با دیدگاه حداقلی نیز مخالف بوده و استنادات وجود مرز در خزر و اختصاص سهم حداقلی به ایران بر اساس خط موهوم آستارا-حسین قلی را فاقد وجهت قانونی تلقی می‌کنند.<sup>(۲۳)</sup> نظرات موجود در این بخش که طرفداران همه آنها به نوعی طرح خود را واقع‌گرایانه می‌دانند عبارتند از:

- ضرورت اعمال رژیم مشاع بدون ذکر سهم و درصد هر یک از طرفها<sup>(۲۴)</sup>؛
- پذیرفتن اصل تقسیم بستر و در عین حال بهره‌گرفتن از حقوق بین‌الملل برای استفاده از شیوه‌هایی که موجب حداکثر نمودن سهم ایران در خزر می‌شود<sup>(۲۵)</sup>؛
- استفاده از روش خط میانی برای تحدید حدود به منظور بهره‌برداری از منابع<sup>(۲۶)</sup>؛
- استفاده از رویه قضایی بین‌المللی به منظور تحدید حدود منصفانه<sup>(۲۷)</sup>؛
- انعقاد پیمان همکاری بین ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان بدون مرزبندی و تقسیم در خزر با هدف تسهیل فعالیت‌های اقتصادی در خزر<sup>(۲۸)</sup>؛
- ایجاد رژیم ترکیبی تقسیم بستر و استفاده مشترک از سطح آب<sup>(۲۹)</sup>.

### دریای خزر و افکار عمومی ایران

بررسی آثار مربوط به دریای خزر در ایران، نشانگر فقر نسبی در ادبیات خزر به ویژه در بُعد حقوقی و سیاسی می‌باشد. اصولاً تا قبل از فروپاشی شوروی سابق، در کشورمان مطالعات جامعی از منظر حقوقی و سیاسی راجع به دریای خزر صورت نگرفته است و بخش اعظم تحقیقات انجام شده، مسایل تخصصی زمین‌شناسی، آب‌شناسی، نوسانات سطح آب، آبزیان و محیط زیست را در برمی‌گیرد.<sup>(۳۰)</sup> در این آثار نیز، به دریای خزر بصورت یک پهنه آبی واحد و

دریاچه بین‌المللی (به مفهوم واقع شدن آن بین دو یا چند کشور) نگر بسته نشده و عمدتاً بررسی مناطق ساحلی ایران مد نظر بوده است. به گونه ای که اطلاعات مربوط به دیگر مناطق خزر یا ذکر نشده و یا در صورت اشاره، غالباً از منابع روسی و بصورت ترجمه ارائه شده است.<sup>(۳۱)</sup> علیرغم تاکید زیاد و اشاره‌های مکرر به اهمیت دریای خزر برای ایران در اغلب آثار سیاسی، واقعیت این است که موضوع دریای خزر مسئله ای جدید برای محافل سیاسی رسمی و غیر رسمی ایران محسوب می‌شود. مقایسه روند فعالیتها و میزان آثار خلق شده در زمینه خزر، تعداد و نوع فعالیت‌های مراکز علمی و تحقیقاتی در این زمینه، موید این مدعا است.<sup>(۳۲)</sup> با فروپاشی شوروی سابق که موجب تغییراتی شگرف در جغرافیای سیاسی منطقه شد، ایران با فرصتها و چالشهای جدیدی در منطقه خزر مواجه گردید و نوع نگرش به دریای خزر و مسایل آن از سوی ایرانیان نیز دچار دگرگونی شد و دریای خزر به عنوان موضوعی جدید در کشورمان مورد توجه قرار گرفت. ورود شرکتهای چند ملیتی، دولتها و سازمانهای فرامنطقه‌ای به حوزه دریای خزر موجب تشدید رقابتهای سیاسی و اقتصادی و پیچیده‌تر شدن مسایل و پدید آمدن چالشهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی مهمی در خصوص دریای خزر و نظام حقوقی حاکم بر آن گردید. مواضع متفاوت کشورهای ساحلی و ارائه دیدگاههای مختلف راجع به دریای خزر و تلاش برای بهره برداری هر چه بیشتر از این دریا، سئوالات و ابهاماتی را در خصوص اقدامات و عملکرد ایران در دریای خزر مطرح نموده است که بمنظور بررسی آنها، ابتدا به جایگاه موضوع خزر در افکار عمومی ایران و سپس عوامل موثر بر شکل‌گیری افکار عمومی ایران در رابطه با دریای خزر می‌پردازیم.

### چگونگی نگرش نسبت به دریای خزر

مروری بر آثار سیاسی و حقوقی منتشره راجع به دریای خزر و همچنین مطالب مطروحه در سمینارها، کنفرانسها، میزگردهای برگزار شده در خصوص خزر، نشانگر توجه ویژه جامعه ایرانی به این موضوع در مقاطع خاص است. به عبارت دیگر در مقاطع زمانی خاصی، موضوع



دریای خزر مورد توجه بیشتر رسانه‌های گروهی و همچنین محافل علمی کشورمان قرار گرفته است. بررسی میزان آثار منتشره و تعداد همایشهای برگزار شده بخوبی این امر را روشن می‌سازد. از جمله این مقاطع تاریخی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- اقدام جمهوری آذربایجان برای عقد قرارداد نفتی موسوم به «قرارداد قرن» با

کنسرسیومی متشکل از چند شرکت خارجی در سال ۱۳۷۴<sup>(۳۳)</sup>؛

اقدام جمهوری اسلامی ایران برای ممانعت از فعالیتهای شرکت نفتی BP در حوزه نفتی

البرز در مرداد ماه ۱۳۸۰<sup>(۳۴)</sup>؛

- برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر در عشق آباد در اردیبهشت ۱۳۸۱<sup>(۳۵)</sup>،

- برگزاری مانورهای نظامی در خزر<sup>(۳۶)</sup>؛

- انعقاد موافقتنامه‌های تقسیم منابع بستر دریای خزر بین قزاقستان - روسیه در سال

۱۳۷۷<sup>(۳۷)</sup>، قزاقستان - جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۸۰<sup>(۳۸)</sup>، و روسیه - جمهوری

آذربایجان در سال ۱۳۸۱<sup>(۳۹)</sup>؛ در نحوه و روند پوشش اخبار و اظهار نظرهای مطروحه راجع به

خزر نیز شاهد تغییراتی در نوع نگرش به مسئله دریای خزر هستیم که از جمله آنها موارد زیر

قابل ذکر است:

- توجه به مسئله خزر تحت تاثیر تحولات سیاسی و رویدادهای خاص بوده و از آنها

تبعیت داشته است.

- موضوعات مورد توجه با گذشت زمان دچار تغییر و تحول شده و نگرش حقوقی،

سیاسی، بین‌المللی و امنیتی به مسایل خزر به ویژه در سالهای اخیر بیشتر شده است.

- نگرش به مسایل خزر، تخصصی‌تر شده و پرداختن به کلیات و طرح مباحث عمومی

جای خود را به بررسی کارشناسانه‌تری داده است.

- نگرش احساسی و مبتنی بر آرزو و آمال بتدریج جای خود را به نگرش واقع‌گرایانه داده

است.

- در سالهای اولیه فروپاشی شوروی مسئله بهره برداری و انتقال نفت و گاز خزر بیش از دیگر موضوعات مورد توجه بود که باگذشت زمان توجه به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آن نیز مد نظر قرار گرفته است.

در رابطه با نوع نگرش نیز می‌توان این قاعده کلی را استخراج نمود در آثاری که دریای خزر را از جنبه سیاسی مورد بررسی قرار داده و اغلب نیز بصورت تحلیل‌های خبری در نشریات داخلی منتشر شده اند، تصویر چندان مثبتی از روند تحولات مربوط به دریای خزر به چشم نمی‌خورد. عناوین این مطالب غالباً منفی و القاء کننده تصویری مبهم و در برخی موارد منفی و نگران کننده از دریای خزر می‌باشد. استفاده از عبارات و مفاهیمی همچون «چالش»، «خطر»، «بحران»، «معما»، «سردرگمی»، «موانع»، «پیچیدگی»، «دریای بی اعتمادی»، «دریای ستیز»، «رویای خزر»، «قمار خزر»، «تاراج خزر» و ... که در این آثار بسیار به چشم می‌خورد، موید این مطلب تلقی می‌گردد.<sup>(۴۰)</sup>

### عوامل موثر در شکل‌گیری افکار عمومی ایران نسبت به مسئله خزر

قبل از بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری افکار عمومی ایران نسبت به مسئله خزر، پرداختن به مباحث نظری و ارائه تعریفی هر چند کلی و مختصر از افکار عمومی، چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن، ضروری بنظر می‌رسد. افکار عمومی واژه‌ای است که گرچه کاربرد آن به قرن‌ها پیش برمی‌گردد ولی باگسترش نهادهای دموکراتیک و افزایش نقش مردم در اداره جوامع، مفهوم آن نیز دچار تحول گشته و کاربرد فراوانی در علوم اجتماعی پیدا کرده است و مورد توجه خاص محققین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار دارد. برداشت عمومی از این مفهوم عبارت است از اراده مردم، احساس عوام، عقاید، باورها، اعتقادات و خواست عموم. در شکل‌گیری افکار عمومی عوامل بسیاری تاثیر دارند. برخی از این عوامل، اجتماعی و فرهنگی هستند که محیط پیرامونی انسانها را تشکیل می‌دهند. افکار عمومی

پیرامون مسئله، موضوع یا موردی تشکیل می‌شود. یعنی باید مسئله، موضوع یا موردی وجود داشته باشد که در خصوص آن افکار عمومی شکل بگیرد. این مسئله، موضوع یا مورد نیز باید دارای ماهیتی باشد که افراد، طبقات، اقشار و گروه‌های یک جامعه، دیدگاه و نگاه ویژه‌ای نسبت به آن داشته باشند. وجود تفاوت در عقیده و نظر نسبت به مسئله، عامل کلیدی در تشکیل افکار عمومی است.<sup>(۴۱)</sup> با عنایت به اینکه «افکار عمومی» به عکس‌العمل بخش عمده جامعه در برابر حوادثی اطلاق می‌شود که برای جامعه جنبه حیاتی دارد و یا دست‌کم بخش عمده‌ای آن را حیاتی تلقی می‌کنند،<sup>(۴۲)</sup> بررسی افکار عمومی ایران نسبت به مسئله خزر و شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن برای روشن‌تر شدن دیدگاه ایرانی خزر، ضرورت دارد. حساسیت و توجه خاص افکار عمومی ایران نسبت به مسایل دریای خزر این موضوع را به یکی از مسایل سیاسی و اجتماعی مهم جامعه تبدیل کرده است و تحولات آن متاثر از عوامل متعددی است که مهمترین آنها عبارتند از:

#### الف) ذهنیت تاریخی منفی نسبت به تحولات پیرامونی ایران: کشور ایران در

طول تاریخ پرفراز و نشیب خود بدلیل شرایط خاص جغرافیایی و جایگاه منطقه‌ای و جهانی‌اش، همواره از تحولات منطقه‌ای و جهانی متأثر بوده و در برخی از مقاطع تاریخی مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته است. به گونه‌ای که دو موقعیت جغرافیای طبیعی و جغرافیای سیاسی آن اشکال متفاوت انطباق، انبساط و انقباض را بارها تجربه کرده است. یعنی در مقاطع مختلف تاریخی، جغرافیای طبیعی آن برابر، بزرگتر یا کوچکتر از جغرافیای سیاسی آن شده است.<sup>(۴۳)</sup> همانگونه که در مبحث سیر تحولات تاریخی دریای خزر منطقه‌ای و جهانی در دو سده اخیر به گونه‌ای بوده که منجر به تجزیه بخشهایی از سرزمین ایران شده است.<sup>(۴۴)</sup> لطمات سرزمینی مذکور، نقض بیطرفی ایران در جنگهای جهانی اول و دوم و ورود نیروهای اشغالگر به ایران، غائله فرقه دموکرات در آذربایجان، مسایل مربوط به امتیاز نفت شمال، تأثیر جنگ سرد بر جامعه ایران به عنوان کشور همسایه ابرقدرت شرق، نگرانی از نفوذ کمونیسم، تبعات منفی فروپاشی

امپراتوری‌های پیرامونی ایران<sup>۱</sup> و... از جمله عواملی هستند که اثرات ژرفی بر ذهنیت جامعه ایران داشته و موجب ایجاد «ذهنیت تاریخی منفی» نسبت به تحولات پیرامونی ایران و به ویژه در مناطق شمالی کشورمان شده است.<sup>(۴۵)</sup>

از این منظر هرگونه تحول در پیرامون ایران، منبع بالقوه تهدید منافع ملی ایران محسوب می‌شود و برداشت اولیه از مباحث مربوط به دریای خزر در نزد عامه مردم «منفی» و مغایر با منافع ملی ایران تلقی می‌شود.

### ب) اقدامات و تبلیغات مخالفین نظام جمهوری اسلامی: پس از پیروزی انقلاب

اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، برخی از افراد و جریانهای سیاسی که بدلائیل خاصی نظر موافق یا همسویی کامل نسبت به این نظام نداشته‌اند، اقدامات و تبلیغاتی را بر علیه این نظام صورت داده‌اند. طبیعی است در این زمینه از هر ابزار و وسیله‌ای نیز برای نیل به اهداف خود بهره‌گیرند. از این دیدگاه انتقاد این افراد یا جریانها از دستگاه دیپلماسی و عملکرد نظام در حوزه سیاست خارجی نیز امری بدیهی محسوب می‌شود. در این راستا، موضوع خزر با توجه به ذهنیت تاریخی منفی جامعه ایران، محمل مناسبی برای حمله و تخریب وجهه نظام تلقی می‌گردد. بدین نحو که عنوان می‌کنند ایران در دوران قبل از انقلاب دارای حقوقی در خزر بوده که نظام جمهوری اسلامی قادر به پاسداری از آنها نبوده است. این جریانها تلاش دارند نظام جمهوری اسلامی را در تامین منافع ملی ایران در دریای خزر، ناتوان جلوه داده و از این طریق مشروعیت و کارآمدی آن را زیر سؤال ببرند. این اقدامات غالباً در شکل مصاحبه با رادیوهای خارجی و همچنین انتشار اخبار و گزارشهای تحلیلی در شبکه‌های اینترنتی، صورت می‌گیرد.<sup>(۴۶)</sup>

۱. فروپاشی امپراتوری بریتانیا موجب بحرآنه‌ها و مشکلاتی از قبیل کشمیر و فروپاشی امپراتوری عثمانی مسایل مربوط به کشورهای حاشیه خلیج فارس را بدنبال داشته که تأثیرات منفی آن در اشکال مختلف از جمله اختلافات و ادعاهای ارضی و بی‌ثباتی در منطقه خود را نمایان ساخته است. همچنین فروپاشی شوروی ایجاد کانونهای مناقشه و بحران قره‌باغ و چین را در پی داشته است.

ج) **جریانهای سیاسی داخلی:** همانگونه که در سیاستهای دولت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... همواره منتقدانی داشته است در سیاست خارجی نیز این موضوع مصداق دارد. برخی افراد و جریانهای سیاسی موجود در کشور نسبت به دستگاه دیپلماسی و عملکرد سیاست خارجی دیدگاه و نظرات متفاوتی را مطرح می‌نمایند. این نظرات که غالباً جنبه انتقادی دارد و طیف وسیعی از موضوعات شامل سیاستها و اصول حاکم بر سیاست خارجی، شیوه اجرا، ساختار و توانایی تصمیم‌گیران و مجریان سیاست خارجی را در بر می‌گیرد عمدتاً از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، احزاب و تشکلهای سیاسی و نخبگان و فعالان سیاسی به صورت مستقل یا سازمانی مطرح می‌شود.<sup>۱</sup> با توجه به بالای تأثیرگذاری این قشر و همچنین حساسیت موضوع، در مقاطعی مسئله خزر به موضوعی با اولویت و مورد توجه خاص جامعه تبدیل شده و در آینده نیز از چنین ظرفیتی برخوردار می‌باشد.

د) **دیدگاهها و نظرات نخبگان علمی و محافل دانشگاهی:** محققین و محافل علمی کشورمان نیز در سالهای اخیر توجه خاصی به موضوع خزر داشته‌اند. ایجاد موسسات، مراکز و برنامه‌های مطالعاتی تخصصی راجع به خزر، افزایش چشمگیر کتب و مقالات منتشره، اجرای پروژه‌های متعدد تحقیقاتی و تدوین پایان نامه‌های متعدد مرتبط با مسئله خزر در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، موید این مطلب است. از این منظر اقدامات صورت گرفته از سوی محافل علمی در شکل‌گیری افکار عمومی کشورمان در مسئله خزر جایگاه خاصی می‌یابد.

ه) **دیپلماسی رسانه ای دولت در مسئله خزر:** گرچه بررسی مواضع رسمی ایران در مسئله خزر و همچنین عملکرد دستگاه دیپلماسی کشور در رابطه با خزر، موضوعی با اهمیت و ضروری است ولی مجال پرداختن به آن در این مقاله وجود ندارد و نیازمند بررسی جداگانه‌ای

۱. طرح این نظرات و انتقادات که غالباً با هدف اصلاح و سازندگی صورت می‌گیرد و مبتنی بر دغدغه و نگرش ملی و به دور از رقابتهای سیاسی و جناحی است، می‌تواند در تحقق اهداف و منافع ملی تأثیر مثبتی داشته باشد. این امر با توجه به نقش تأثیرگذار افکار عمومی هم در مرحله تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و هم اجرای تصمیمات سیاست خارجی، امری بدیهی محسوب می‌شود.

است. با این وجود، بدلیل نقش دیپلماسی رسانه‌ای در شکل‌گیری افکار عمومی در مسئله خزر، پرداختن به آن هر چند به اختصار ضروری بنظر می‌رسد. نحوه انتشار اخبار، تحولات، اقدامات و مذاکرات مربوط به دریای خزر و همچنین مواضع جمهوری اسلامی ایران در مسئله خزر، خود از موضوعاتی است که بعضاً مورد انتقاد می‌باشد. این امر با توجه به نقش روزافزون افکار عمومی، هم در مرحله تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و هم در اجرای تصمیمات سیاست خارجی حائز اهمیت خاصی است. از سوی دیگر با توجه به طرح نظرات مختلف راجع به حقوق و منافع ایران در دریای خزر که برخی مدعی تصاحب تمام یا نیمی از دریا و از دست رفتن حقوق ایران در آن تاکید دارند، عامه مردم دچار تشنگی آراء بوده و تصور صحیحی از موضوع ندارند، این موارد ایجاب می‌کند که اطلاع رسانی شفاف و دقیقی راجع به موضوع خزر صورت گیرد. بدیهی است عدم اطلاع رسانی به موقع و صحیح از سوی مراجع ذیربط، خود از عوامل موثر در نوع نگرش ایجاد شده در جامعه نسبت به موضوع خزر دارد.

### نتیجه

بررسی سیر تحولات دریای خزر بیانگر وجود رابطه‌ای مستقیم میان این تحولات با چگونگی اعمال حاکمیت و بهره‌مندی ایران در دریای خزر می‌باشد. در مقطعی از تاریخ که بخشهای وسیعی از مناطق پیرامونی دریای خزر جزو قلمرو و سرزمین ایران بوده، این دریا به منزله پهنه آبی داخلی و تحت حاکمیت کامل ایران محسوب می‌شده است. این امر در مقطعی دچار چالش شده و پس از جدا شدن مناطقی از سرزمین ایران در نتیجه جنگهای ایران و روس در قرن ۱۹ و توافقیهای صورت گرفته بین دو کشور، تسلط ایران بر خزر با محدودیت مواجه شد. از اوایل قرن بیستم اسنادی بین ایران و شوروی در خصوص خزر منعقد شد که ضمن تصریح به برخی حقوق و تکالیف طرفین در برخی موارد بدلیلی تصریح وجود ندارد. این امر در کنار اقدامات دو کشور در خزر در دوران شوروی، زمینه ساز اختلاف نظرهایی بین کشورهای ساحلی

خزر در دوره پس از فروپاشی می‌گردد. امری که هنوز کشورهای ساحل موفق به نیل به راه حلی جامع برای تعیین حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی و همچنین اصول حاکم بر فعالیت در دریای خزر نشده‌اند.

همین امر موجب طرح دیدگاه‌ها و نظرات گوناگونی راجع به رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر و حقوق کشورها شده است. بدلیل حساسیت خاص جامعه ایران نسبت به موضوع خزر، این موضوع در ایران جایگاه ویژه‌ای یافته و آنرا به یکی از موضوعات مورد توجه افکار عمومی تبدیل کرده است. در خصوص حقوق ایران در خزر دیدگاه‌های متعددی مطرح و این امر به نوبه خود زمینه ساز مباحثی راجع به دیپلماسی ایران در مسئله خزر شده است. آنچه که بیش از دیگر عوامل در شکل‌گیری افکار عمومی ایران نسبت به مسئله خزر موثر بوده، ذهنیت متراکم و انباشته تاریخی منفی ایرانیان نسبت به تحولات پیرامونی ایران است که تاثیر آن در سیاست خارجی کشورمان در دو بیست سال گذشته نیز در اتخاذ استراتژی‌های بیطرفی و انزوا خود را نمایان ساخته است. آثار مستقیم و غیر مستقیم این امر نیز نمی‌تواند از دید تصمیم‌گیران سیاست خارجی پنهان بماند. وجود طیف وسیعی از نظرات متفاوت و بعضاً متضاد راجع به خزر، موجب تشتت آراء و تشویش اذهان مردم ایران نسبت به خزر می‌شود که این امر نیز در روند تصمیم‌سازی و اتخاذ استراتژی‌های سیاست خارجی بی‌تاثیر نخواهد بود. اتخاذ و اجرای استراتژی‌های مناسب در سیاست خارجی مستلزم توجه ویژه به عامل تاثیر گذار و بسیار مهم «افکار عمومی» است. متقابلاً اطلاع رسانی شفاف و به موقع و دیپلماسی رسانه‌ای مناسب علاوه بر فراهم نمودن فضای مناسب برای تصمیم‌سازی، می‌تواند پشتوانه لازم را برای اجرای استراتژی‌های سیاست خارجی در حوزه خزر فراهم نماید.

## یادداشت‌ها

۱. بیش از ۳۵ نام برای این پهنه آبی ذکر شده است. در خصوص وجه تسمیه آن و کاربرد اسامی نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:  
(الف) حاج سید جوادی. سید کمال، «نامهای دریای مازندران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۵، صص ۹-۱۶.
- (ب) ورجاوند، پرویز. «دریای مازندران یا خزر»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۸-۱۸۷، خرداد ۱۳۸۲، صص ۱۱۳-۱۰۸.
۲. به اذعان اکثر قریب به اتفاق حقوقدانان اطلاق لفظ دریا بر این دریاچه به معنی شمول حقوق دریاها بر آن نیست.
۳. مهدی صفری، «ساختار و تحولات سیاسی در قدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران»، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران: ۱۳۸۴، صص ۱۴۱-۱۳۸.
۴. داود باوند، «نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر: نویدها و زندها»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره سوم (پاییز ۱۳۷۲)، صص ۶۵۹.
۵. بهرام امیر احمدیان، «ایران و دریای خزر در چشم اندازی ژئوپلیتیک»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۰، صص ۱۳۹.
۶. داود باوند، «رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست محیطی و امنیتی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۰، صص ۷-۶.
۷. همان، صص ۹.
۸. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، «تاریخ روابط خارجی ایران»، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۹، چاپ چهارم، صص ۲۸۷.
۹. فصول دوم و سوم معاهده ۱۹۲۱، متن کامل معاهده در منبع زیر قابل دسترس می باشد:  
- بهرام نوازی، «عهد نامه مودت ایران و شوروی»، نشر همراه، تهران: ۱۳۶۹، صص ۲۱۲.
۱۰. هوشنگ مقتدر، «نظام حقوقی دریای خزر پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی»، گزارش اوراسیا، شماره ۹، صص ۹.
۱۱. همان، صص ۱۰.



۱۲. تحولات رژیم حقوقی دریای خزر

[http://khabarnameh.gooya.com/cgi\\_bin/gooya/mt-tb/5774](http://khabarnameh.gooya.com/cgi_bin/gooya/mt-tb/5774)

۱۳. محمدرضا ضیایی بیگدلی، «حقوق ایران در دریای خزر»، ماهنامه حافظ، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۸۳، صص ۶۷-۶۲.

۱۴. البته طرفداران این دیدگاه پاسخهایی نیز برای این ایرادات مطرح می نمایند که جهت پرهیز از اطاله کلام از درج ایرادات و پاسخهای متقابل خودداری شده است. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

- حقوق طبیعی و واقعی ایران در دریای خزر <http://paniranism.org/caspian.htm>

- یوسف مولایی، «دریای کاسپین و حاکمیت ایران»، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره سوم، اردیبهشت ۸۱.

- رژیم حقوقی دریای خزر چالشی در سیاست خارجی ایران، فودا، ۲۵/۴/۷۷.

- «دریای خزر و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال

چهارم شماره یک بهار ۷۶، صص ۱۳-۱۲.

۱۵. این عبارات عینا برگرفته از اظهارات تیمسار ملک زاده در همایش «بررسی رژیم حقوقی دریای خزر» است که در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ توسط کانون وکلای مرکز در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد.

۱۶. موضوع حق تصمیم گیری برابر از سوی دکتر مولایی مطرح شده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

- یوسف مولایی، «دریای کاسپین و حاکمیت ایران»، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره سوم، اردیبهشت ۸۱.

۱۷. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به پاورقی ۱۱.

۱۸. لطف اله مفخم پایان، «دریای خزر»، ترجمه و تحقیق جعفر خمایی زاده، انتشارات هدایت، رشت:

۱۳۷۵، چاپ اول، صص ۳۱۷-۳۱۸.

۱۹. سید عطا تقوی اصل، «ژئوپلتیک جدید ایران؛ از قزاقستان تا گرجستان»، مرکز چاپ و انتشارات وزارت

امور خارجه، تهران: ۱۳۷۹، صص ۱۹۰.

20. Guive Mirfenderski, a Diplomatic History of the Caspian Sea: Treaties> Diaries, and other Stories, New York: Plagrave Macmillan 2001, p.166.

۲۱. مراجعه شود به:
- محمدعلی موحد در پیرامون نظام حقوقی دریای خزر جدال سعدی با مدعی بر سر خط موهوم آستارا - حسینقلی، ایران، ۱۷/۴/۸۱.
- «پیمان نظامی دفاعی ایران و آمریکا در ۱۳۳۷ و عکس العمل دولت شوروی»، تاریخ معاصر، ص ۲، ش ۶، تابستان ۷۷ صص ۱۳۱-۲۰۶.
۲۲. حسن میرفخرایی، «رژیم حقوقی دریای خزر، از واگرایی تا همگرایی»، پژوهش حقوق و سیاست، سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۹۷.
۲۳. پیروز مجتهد زاده، «ژئوپلیتیک دریای خزر و ملاحظات منطقه‌ای» در این سایت قابل دسترس است:  
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020045702270312>
۲۴. محمد رضا دبیری، «رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان مبنایی برای صلح و توسعه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، صص ۲۰-۱.
۲۵. حمید ضیایی پرور، «رویکرد واقع‌گرایانه ایران به خزر».
۲۶. حسن میرفخرایی، همان، ص ۱۹۸.
۲۷. مهرداد ناظمی، «دریای خزر و حقوق بین‌الملل: گزینه‌های متفاوت با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی، شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۸۱-۱۳۸۰، صص ۳۳۹-۱۵۱.
28. <http://khabarnameh.gooya.com/politics/archives/005599.php>
۲۹. پیروز مجتهد زاده، «من برای خزر طرح دارم»، وقایع اتفاقیه، ۱۳۸۳/۴/۲.
۳۰. جهت جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص حجم و محتوای این آثار به بانک اطلاعات و مدارک دریای خزر به نشانی اینترنتی زیر مراجعه شود:  
<http://www.irandoc.ac.ir/PAJOHESH/1-2.htm>
۳۱. پیشین.
۳۲. تنها موسسه تحقیقاتی که بطور تخصصی در خصوص مسایل سیاسی خزر در کشورمان فعالیت دارد «موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر» است. البته برخی از موسسات مطالعاتی کشورمان نیز پروژه‌های تحقیقاتی در رابطه با خزر دارند.
۳۳. مراجعه شود به: رسالت، ۱۳۷۴/۶/۶ و اطلاعات، ۱۳۸۱/۶/۸.

۳۴. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲/۵/۲۵، اطلاعات، ۱۳۸۱/۳/۱۲.
۳۵. اجلاس سران خزر در تاریخ ۳-۴ اردیبهشت ۱۳۸۱ در عشق‌آباد برگزار شد و اغلب نشریات کشورمان در دهه اول اردیبهشت این سال به پوشش اخبار این نشست پرداخته و همچنین گزارشهای تحلیلی زیادی در این زمینه منتشر نموده‌اند.
۳۶. مردمسالاری، ۱۳۸۰/۵/۱۴.
۳۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۵/۱۴.
۳۸. ابرار، ۱۴۰۵.۱۳۸۳.
۳۹. همان، ۱۳۸۳/۲/۹.
۴۰. برای نمونه به چند عنوان اشاره می‌شود:
- «دریای غریب»، همشهری، ۱۳۸۲/۷/۲۶.
  - «بمب ساعتی در خزر»، ایران، ۱۳۸۱/۱۰/۱.
  - «خزر؛ آرامش قبل از طوفان»، همشهری، ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.
  - «خزر؛ بازی با حاصل جمع صفر»، ماهنامه گزاش، ۱۳۸۲/۳/۳۱.
  - «جزر و مد سیاسی در خزر»، شرق، ۲۶/۱۲/۱۳۸۲.
  - «یخ‌های رژیم حقوقی خزر»، خراسان، ۱۳۸۲/۷/۲۶.
  - «پیچیدگیهای جدید در کار خزر»، همشهری، ۱۳۸۳/۱/۱۷.
  - «چالشهای نظامی منطقه خزر» <http://daryayekhzar.persianblog.com/>
  - «فرصتهای بر باد رفته»
  - «ایران در خزر می‌بازد»، همبستگی، ۱۳۸۱/۱۱/۶.
  - «سردرگمی ایران و تاراج خزر»، گزارش، شماره ۱۳۴، فروردین ۱۳۸۱/۲/۲۴.
۴۱. همشهری، ۱۳۸۴/۹/۲۳.
۴۲. غلامرضا علی بابایی، «فرهنگ علوم سیاسی»، نشر و پخش ویس، تهران ۱۳۶۹، چاپ دوم، ج ۱، ص ۶۹.
۴۳. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، «تاریخ روابط خارجی ایران»، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۹، چاپ چهارم، ص ۷.
۴۴. جدایی بخشهایی از مناطق شمالی ایران که امروزه در قفقاز و آسیای مرکزی واقع شده‌اند، در نتیجه

جنگهای ایران و روس و معاهدات ننگین گلستان و ترکمنچای صورت گرفته است، نمونه بارز این امر است.

۴۵. سید رسول موسوی، «روسها در چشم ایرانیان؛ آسیب شناسی روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴.

۴۶. برخی از این موارد عبارتند از:

- استقلال یا باج خواهی، دو روش در قبال بحران خزر، روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت، شماره

۵۴۴.

- رژیم ولایت فقیه قادر به تامین منافع ملی نیست

<http://www.tudehpartyiran.org/new515asp>

- حقوق انکارناپذیر ایران در حوزه خزر

<http://www.tudehpartyiran.org/news10asp>

- مصاحبه با بهمن آقایی پیرامون ناکارآمدی سیاست خارجی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در

رابطه با منافع ایران در دریای خزر، رادیو آمریکا، ۱۳۸۲/۱۲/۸.

